

تبیین دلیلی-سازوکار تولید فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری (موردپژوهی: کرانه جنوبی دریای کاسپین)*

مأنده هدایتی فرد^۱

رضا خیرالدین^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷

چکیده

دخالت عوامل چندگانه، به پیچیدگی کوشش‌های برنامه‌ریزی برای برقراری توازن میان خواست‌ها و منابع می‌انجامد. بی‌تردید، این امر در زمین‌های با ارزش محیط طبیعی اهمیتی دوچندان می‌یابد. زیرا، با افزایش مطلوبیت محیطی، تقاضا برای استقرار فعالیت‌های گوناگون انسانی افزایش یافته و ضمن مواجهه با کمبود منابع با ارزش محیطی، کوشش‌های برنامه‌ریزانه با تنش‌های بیشتری برای تأمین خواست عمومی و نگهداشت میراث طبیعی به جای مانده، روبه‌رو می‌شوند. این چالش، گاه در قالب فضاهایی بازنمون می‌شود که در جلوه‌های کالبدی، فضای انحصاری به شمار می‌روند. از آن خود ساختن فضاهای عمومی-همچون زمین‌های ساحلی و یا زمین‌های با ارزش ملی- به ویژه در نواحی ساحلی پیراشهری، جریانی است که هم در کشورهای بیشتر توسعه یافته و هم در جوامع کمتر توسعه یافته قابل مشاهده است. در شرایطی که در ظاهر امر، این فرایند در تمامی جوامع یکسان جلوه می‌کند، در چرایی زمینه‌ای این پدیده اما، سازوکارهای مولد و محرک شکل‌دهنده، رفتاری متمایز دارند. پژوهش حاضر می‌کوشد به پرسش چرایی تولید فضاهای انحصاری پاسخ دهد و سازوکارهای مولد این نوع فضا را تبیین کند. با اختیار رویکرد تفهیرباوری انتقادی و با به‌کارگیری روش نظریه زمینه‌ای ساخت‌باور، یافته‌ها نشان‌دهنده نقش شش انگاشت کلیدی شامل «کاستی در چارچوب نهادی رسمی»، «تعارض قدرت»، «اقتصاد سیاسی غیرمولد»، «فرهنگ پشتیبان انحصار»، «ساختار فضایی مولد انباشت بهره» و «بهره‌جویی توده‌ای» در سازوکارهای شکل‌گیری فضای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری مورد مطالعه است که برون‌داد آن، ویران‌گری محیطی در قالب جدائی‌گزینی فضایی، افت کیفیت فضایی درون‌شهری، تخریب منابع و چشم‌اندازهای طبیعی و غیره بازنمون شده است.

واژگان کلیدی: تولید فضا، فضای انحصاری، نواحی ساحلی پیراشهری، نظریه زمینه‌ای، کرانه جنوبی دریای کاسپین

^۱ دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. نویسنده مسئول
md.hedayati@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
reza_kheyroddin@iust.ac.ir

* این مقاله برگرفته از بخشی از پایان‌نامه دکتری نگارنده نخست با عنوان «تبیین سازوکارهای تولید فضای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری: کرانه جنوبی دریای کاسپین» است که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاورهٔ پروفسور ژان رونگ از دانشگاه لوزان سوئیس در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران در آبان‌ماه ۱۳۹۶ دفاع شده است.

مقدمه

به دلیل مطلوبیت کیفیت محیطی در نواحی پیراشهری و کرانه ساحلی دریای کاسپین، فشار برای توسعه و از آن خود ساختن زمین‌های ارزشمند ساحلی، منجر به شکل‌گیری فضاهایی انحصاری شد. فضاهای انحصاری که از طریق مرزهایی چون حصار، دروازه و نیز سازوکارهای امنیتی، از حضور و بهره‌مندی گروهی مشخص از جامعه برای استفاده از منابعی مشخص، که غالباً ماهیت ملی و همگانی دارند، جلوگیری به عمل می‌آورند، از جمله فضاهایی هستند که به دلیل ماهیت انحصارگرایانه به‌طور مستقیم در تعارض با آرمان‌های برنامه‌ریزی فضایی قرار می‌گیرند. اما سازوکارها و عاملین تولید این فضاها، همواره به وضوح و روشنی دیوارها و دروازه‌ها نیستند و گاه در پشتِ گفتمان‌های غالبی که حتی از سوی بخش‌های عمومی در اجتماعات مدنی، حرفه‌ای و علمی تسلط یافته‌اند، پنهان شده‌اند. برخی گزارش‌های رسمی اشاره کرده‌اند از ۳۳۷ کیلومتر طول کامل نوار ساحلی استان مازندران در ۲۴۸ کیلومتر (۷۳ درصد) آن ساخت و ساز انجام شده است و تنها ۹۰ کیلومتر (۲۷ درصد) ساحل آزاد است که هیچ‌گونه محدودیتی برای استفاده عمومی از آن وجود ندارد. ۴۰ کیلومتر از طول کلی نوار ساحلی، در اختیار ساخت و ساز اجتماعات دروازه‌ای با عملکردهای مسکونی-تفریحی قرار گرفته است. بازنمون‌های کالبدی این فضاها، شامل گستره‌ای از اقامتگاه‌های دولتی تا اجتماعات دروازه‌ای خصوصی می‌شود. هور چنین فضاهای محصور در نوار ساحلی، که از منابع طبیعی ملی-ساحل دریا-برخوردارند، به نوعی تولید فضای انحصاری محسوب می‌شود. زیرا، با توجه به ارزش بالای زمین در این محدوده، قابلیت استفاده و بهره‌مندی از ساحل را تنها برای مالکان فراهم نموده و محدودیت دسترسی را برای عموم جامعه (بازدیدکنندگان و ساکنین بومی) به همراه داشته است.

چالش‌های یادشده، ضرورت پژوهش را از آن جهت قوت می‌بخشد که مکان‌یابی جریان نوین سکونت و فعالیت در قالب تولید فضاهای انحصاری در نواحی پیراشهری ساحلی، در تعارض آشکار با اصول قانونی دسترسی به فضاهای عمومی و ضرورت بهره‌مندی عمومی از اموال عمومی و ملی چون زمین‌های ساحلی، جنگلی و غیره است. اهمیت واکاوی چرایی و چگونگی شکل‌گیری این فضاهای انحصاری در منطقه، برای درک بهتر و صحیح‌تر سازوکارهای تضاد منابع و منافع و در نهایت بهبود فرایند برنامه‌ریزی فضایی برای نواحی ساحلی پیراشهری، ضرورتی دوچندان دارد (جدول ۱).

جدول ۱: رویارویی پرسش‌ها و اهداف

اهداف پژوهش	پرسش اصلی پژوهش
- تبیین سازوکارهای تولید فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری کرانه جنوبی دریای کاسپین - تغییر سازوکارهای موجود انحصاری شدن فضاهای ساحلی پیراشهری در کرانه جنوبی دریای کاسپین	سازوکارهای تولید فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری کرانه جنوبی دریای کاسپین، چگونه است؟

روند انجام کار

در این پژوهش به دلیل استفاده از روش نظریهٔ زمینه‌ای، نگارندگان پیش از بررسی عمیق ادبیات موضوع، به زمینه مراجعه می‌کنند و چارچوب روش را در زمینه پیگیری می‌کنند. در این روش، مبانی نظری، پس از یافته‌های پژوهش، به منظور تحلیل حساسیت نظری الگوی به دست آمده از سازوکارهای تولید فضای انحصاری تشریح می‌شود. از این رو است که در گام نخست، چارچوب روش شناسی پژوهش ارائه می‌شود. سپس در گام بعدی، چارچوب روش شناسی یاد شده، در مورد مطالعاتی کرانهٔ جنوبی دریای کاسپین، بکار گرفته می‌شود. در این گام مهم‌ترین انگاشت‌های پایه و چگونگی اثرگذاری زمینه‌ای آنها در تولید فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری تحلیل می‌شوند. در گام سوم، ضمن تدوین چارچوب انگاشتی و خلق پایه‌های نظری سازوکار یاد شده، یافته‌های موردپژوهی با چارچوب نظری و تجربی موجود قیاس و تحلیل می‌شوند.

محدوده و قلمرو مورد پژوهش

ناحیهٔ مورد مطالعه در این پژوهش پنج شهرستان ساحلی ساری، جویبار، بابلسر، فریدون‌کنار و محمودآباد، در استان مازندران را شامل می‌شود که به ترتیب ۲۱/۸، ۱۵/۵، ۲۷، ۸ و ۸ کیلومتر نوارساحلی دارند. نواحی پیراشهری شامل زمین‌های واقع در محدودهٔ حریم شهرها، نواحی روستایی و زمین‌های خارج از محدودهٔ قانونی روستا و حریم شهرها می‌شود. سه عنصر کالبدی اصلی در این محدوده نقش ایفا می‌کنند که شامل کریدور شرق به غرب، سکونتگاه‌های واقع در جنوب کریدور و اجتماعات دروازه‌ای در شمال کریدور هستند. در این پژوهش، فضاهای انحصاری در قالب اجتماعات دروازه‌ای هم در جنوب و هم در شمال کریدور نام برده مدنظر است (تصویر ۱).

تصویر ۱: موقعیت مکانی محدودهٔ مورد مطالعه



چارچوب روش‌شناسی پژوهش

راهبرد نظریهٔ زمینه‌ای، از راهبردهای اصلی در پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود که برای نخستین بار در کتاب کشف نظریهٔ زمینه‌ای: راهبردهایی برای پژوهش کیفی نوشتهٔ گلیسرو استراوس (۱۹۶۷) مطرح شد. به تدریج رویکردهای آغازین این روش، توسط صاحب‌نظران

آن تغییر و تحول یافتند. در نهایت، دو رویکرد عینیت‌باوری گلیسر و رویکرد فرائبات‌باور استراس و کوربین، در خصوص روش نظریه‌زمینه‌ای مطرح شدند که این دو، از سوی چارمز (۲۰۰۰) و کلارک (۲۰۰۳) مورد نقد و پالایش قرار گرفتند. تحلیل ساختارباور نظریه‌زمینه‌ای چارمز (۲۰۰۰)، به هر دو نسخه انتقاداتی وارد کرد و در نهایت رویکرد نظریه‌زمینه‌ای ساختارباور را ارائه داده است. رویکرد چارمز، نه تنها بر اساس ساختارباوری اجتماعی دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطرح شد، که بر خلاف فرم اولیه ساختارباوری اجتماعی، به ایجاد پروژه پژوهشی و توجه به ذهنیت پژوهش‌گر و مشارکت‌کننده نیز پرداخت (چارمز ۲۰۰۰، چارمز ۲۰۱۵، میلز و همکاران ۲۰۰۶). این نسخه، که نسبت به رویکردهای پیشین، کمتر تجویزی است، اولویت را بر پدیده مورد مطالعه می‌گذارد و داده و تحلیل را به عنوان چیزی که از تجارب مشترک پژوهش‌گر و مشارکت‌کننده و روابط بین آن‌ها شکل گرفته است در نظر می‌گیرد (چارمز ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷). از این رو نگارندگان، با ورود به مورد مطالعاتی و استقرار در مکان‌های رسمی (همچون دهیاری) و غیر رسمی (همچون فضاهای محصور) و درگیر شدن با تحولات و رخدادها، با بکارگیری فن‌م‌صاحبه نیمه ساختاریافته و طرح پرسش‌های بحث‌انگیز، فرایند تحلیل را آغاز کرده‌اند. پرسش اصلی "سازوکارهای شکل‌گیری فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری چگونه است؟" بوده و پرسش‌های فرعی نیز شامل مواردی چنین هستند: "فرایند شکل‌گیری فضاهای انحصاری به چه صورت رخ داده است؟"، "رویدادها و تصمیم‌های عمده و تأثیرگذار در این فرایند چه بوده است؟"، "چه موانع و فرصت‌هایی برای تولید این نوع فضاها وجود داشته است؟"، "چه کسانی در این فرایند مشارکت فعال داشته‌اند؟"، "بازیگران کلیدی چگونه در این فرایند درگیر بوده‌اند؟"، "نتایج شکل‌گیری فضاهای انحصاری چه بوده است؟" بوده است. تعداد ۲۷ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مسئولین دهیاری، مسئولین تصمیم‌سازی منطقه‌ای، متخصصین شهری و منطقه‌ای، مالکین زمین‌های کشاورزی، مالکین واحدهای مسکونی در فضاهای انحصاری و همچنین بازدیدکنندگان و اتحادیه‌های املاک شهرستان‌های بابلسر و فریدون‌کنار انجام شده است. روش نمونه‌گیری نظری، به صورت غیرهدفمند و با فن گلوله‌برفی، تا رسیدن به اشباع نظری برای کدها بوده است. با ذخیره، ثبت و پیاده‌سازی متن دقیق مصاحبه‌های انجام شده، که به طور متوسط در ۶۰ دقیقه انجام شدند، تحلیل آنها بر مبنای فن کدگذاری در چهار مرحله کدگذاری اولیه، کدگذاری کانونی، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام شد. برای بررسی قابلیت اعتبار یافته‌ها، از فن تلفیق برای تحلیل کدکانونی مزیت مکانی مولد انحصار، کد کانونی سامانه تولید اقتصادی، کد کانونی کاستی در سامانه هدایت و برنامه‌ریزی، و کد کانونی کاستی در سامانه پایش و واریسی استفاده شده است. همچنین از فن کسب اطلاعات دقیق موازی برای مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان دارای

دانش غیررسمی، از فن پایش مشارکت‌کنندگان برای مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان دارای دانش رسمی و از فن خود-پایش‌گری پژوهشگر برای تمامی مراحل (انجام مصاحبه و تحلیل آن) با تکیه بر حساسیت نظری، از فن ممیزی با کمک دو نفر از متخصصان پژوهش کیفی برای تأیید مراحل تحلیل و از فن کدهای وایه‌گویی برای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با متخصصین استفاده شده است. در تأییدپذیری یافته‌ها که نشان‌دهنده قدرت یافته‌هاست، علاوه بر فن تلفیق، از فن تحلیل موارد منفی نیز استفاده شد. به‌طوری‌که در کدهای اولیه تأثیر سکونت در فضاهای انحصاری بر روابط اجتماعی پیشین ساکنین، مجدداً از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا در مورد تناقض یافت شده توضیح دهند. همچنین انعطاف در روش نیز با بررسی چندباره متن مصاحبه‌های انجام شده توسط پژوهش‌گر و با فن مقایسه مستمر، در نظر گرفته شد.

تجزیه و تحلیل داده

در بکارگیری روش نظریه زمینه‌ای، از فنون کدگذاری چارمز شامل کدگذاری اولیه (کدهای باز و کانونی) و کدگذاری محوری و گزینشی، استفاده شده است. برای تعیین کد باز، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به دقت مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار گرفتند و به داده‌هایی که مشابه یکدیگر بودند، انگاشتی متناسب اختصاص داده شده است. برای مثال در بررسی نقل و قول زیر در مصاحبه ۱۳، کدهایی چون «کنش‌گری دهیاری با صدور مجوز ساختمان‌سازی»، «ضعف دانش و آگاهی بومی»، «ضعف نظام پایش مستمر برای جلوگیری از پیشرفت پروژه‌های غیرقانونی» تعیین شدند.

"الان این رویال مال؛ از طرف شهرداری بنر زدن؛ این پروژه‌ای که سه چهار سال زمان می‌خواد ساخته بشه، این پروژه که ما می‌بینیم بزرگ ساخته شد، هیچ اختطاری بهش ندادن؛ روستای اسلام آباد پروانه داد. در توانش نبود اما نمی‌دونست و مجوز داد. سال ۹۲ بود. این دهیارم به دادگاه بردن. دهیار که شهردار نیست. خیلی از قوانین رو نمی‌دونه (P1:13).

برای سازمان‌دهی داده‌های استخراج شده-۴۳۰ کد باز- و سهولت انجام مراحل کدگذاری از نرم‌افزار Atlas Ti 5.2 استفاده شده است. سازمان‌دهی داده‌ها و دست‌یابی به انگاشتهای گزینشی بر مبنای مقایسه پیوسته داده‌ها، کدها و یادداشت‌ها و نیز ضمن توجه به امر «بازتاب دهندگی» در پژوهش و «تحلیل شرایط» انجام شده است. در ادامه مثال‌هایی

\member checking
\self-monitoring
\auditing
\in vivo codes
\negative case analysis
\flexibility

از چگونگی دلالت موارد نام برده برای سازماندهی داده‌ها از کد باز تا کدهای گزینشی ارائه می‌شود.

در پرسش‌های مصاحبه‌ها سعی شد تا پاسخ‌های گروه‌های متعارض در نظر گرفته شوند. برای مثال، هم گروه‌های موافق انحصار فضا در نظر گرفته شدند (مالکین و ساکنین فضاهای انحصاری، توسعه دهندگان، سوداگران، مدیران انجمن‌های ساکنین، مسئولین فضاهای انحصاری ساحلی دولتی) و هم گروه‌های مخالف (ساکنین نواحی روستایی، مسئولین در بخش عمومی، بازدید کنندگان از فضاهای عمومی ساحلی). برون داد این نوع برخورد در پرسش‌گری، به روشن شدن گفتمان‌های متعارض انجامید. برای مثال، طی مصاحبه‌های ۱۷ تا ۲۳، گفتمان‌های «حفظ حریم خصوصی»، «برخوردار از آزادی رفتاری» و «حفظ ارزش مالی سرمایه خانوار»، برای سکونت در این فضاها و نیز در مصاحبه‌های ۱ و ۱۶ «حفظ قدرت سازمانی» در حمایت از این اجتماعات عنوان شدند. این درحالی است که «تعارض با فرهنگ محلی و محدود کردن دسترسی» (گونه دیگری از آزادی رفتاری) در مصاحبه‌های ۱ و ۱۶ و نیز «تعارض حقوق فردی/سازمانی با حقوق عمومی» در مصاحبه‌های ۱۲، ۶ و ۷ به عنوان رویکردهای مخالف مطرح شده بودند.

همچنین، برخی از کدهای باز به دست آمده، با استفاده از فن یادداشت‌برداری پژوهشگر، ثبت شدند تا برای پرسش‌های مصاحبه‌های آتی و همچنین تحلیل با استفاده از داده‌های دیگر در نظر گرفته شوند. برای مثال، طی مصاحبه‌های شماره ۳ و ۴، به تشدید تولید فضای انحصاری در نواحی پیراشهری مازندران در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ اشاره شد. در این مرحله پژوهشگر با توجه به در نظر داشتن الف-پیشینه مسئولیتی مشارکت کننده-که در بازه زمانی یادشده موقعیت مدیریتی برای پاسخگویی به کاستی‌های اعمال شده نداشته است، ب-در نظر داشتن رویکردهای اعتقادی فرد مشارکت کننده که نسبتاً همسو با دوره سیاسی یادشده نبوده است، به آمارهای عنوان شده «تردید» وارد کرده و به بررسی منابع دیگر گردآوری داده پرداخته است. در گام بعدی با بررسی داده‌های آماری مرتبط از تعداد تخلفات پیراشهری، مشخص می‌شود که اگرچه گزاره نام برده از سوی مشارکت‌کنندگان صحت دارد اما بازهم این گزاره باید در ارتباط با شرایط زمینه‌ای از جمله ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی بسترهای وسیع‌تر (مازندران نسبت به شرایط کشور) قرار گیرد. از این رو، با توجه به داده‌های گردآوری شده از دیگر مصاحبه‌ها و ارتباط دادن و مقایسه پیوسته بین داده‌ها و کدها، ارتباط میان متغیرهای اقتصاد ملی، اقتصاد بخش ساختمان، زمینه‌های هدایت و مهار تحولات فضایی شامل برنامه‌ها و قوانین و مقررات ملی و منطقه‌ای و نیز بسترهای اجتماعی ساکنین و متقاضیان سکونت در فضاهای انحصاری در نظر گرفته شد. در مثالی دیگر، طی مصاحبه شماره ۲ مشخص شد که دهیار یکی از روستاهای پیرامونی نسبت به شکل‌گیری فضای انحصاری حکومتی در نوار ساحلی معترض است و آن را به نوعی محدودیت دسترسی به ساحل برای ساکنین بومی عنوان می‌کند. پژوهشگر با توجه به الف-مقایسه کدهایی مبنی بر فرصت شغلی فراهم شده در اجتماعات دروازه‌ای برای ساکنین روستا، ب-در نظر داشتن این امر که اعتراض

تنها نسبت به گونهٔ انحصار دولتی بوده است و نه خصوصی و پ-مقایسه با دیگر یادداشت‌ها، داده‌ها و کدها مبنی بر مرجعیت دهیار در صدور مجوزهای ساختمانی، به روایت بیان شده از سوی روستا برای حمایت از «دسترسی عمومی به ساحل»، «تردید» وارد کرده و طی ذخیره در یادداشت‌برداری‌ها، برای مراجعهٔ بعدی و دریافتِ چرایی مخالفت اقدام کرده است. برون‌داد این پیگیری، نشان داد که مشارکت‌کننده (دهیار)، مالک زمین ساحلی است، که در اختیار نهادهای نظامی مورد اشاره بوده است. از این رو، مخالفت با ظهور این اجتماعات، نه از سر حمایت از منافع عمومی، که ریشه در منافع فردی داشته است. در مثالی دیگر، در شرایطی که یکی از مسئولین، به حمایت از شکل‌گیری اجتماعات دروازه‌ای تحت گفتمان «محرک توسعهٔ روستایی» اشاره کرده است، پژوهشگر با توجه به مقایسهٔ کدهای منتج از دیگر مصاحبه‌ها مبنی بر تعارض فرهنگی، شکاف اقتصادی-اجتماعی، محدودیت دسترسی به ساحل و افزایش ترافیک و ازدحام در مسیرهای ارتباطی، به گزارهٔ شنیده شده تردید وارد کرده و با بررسی‌های عمیق‌تر، به همپوندی منافع فردی مسئول روستا با بازار مستغلات، طی فعالیت وی در مشاور املاک اجتماع دروازه‌ای پی برده است. بدین ترتیب، گفتمان اظهار شده مبنی بر حمایت از منافع عمومی، در لایهٔ زیرین به گفتمان اظهار نشدهٔ «حفظ منافع فردی» تغییر یافت.

پیوند گفتمان‌های نام برده با زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره، فرایند درک چرایی ظهور پدیده را تقویت کرده است. این مهم با بکارگیری رویکرد تحلیل شرایط پیگیری شد. در بررسی روندها (شرایط در گذر زمان-مکان)، گذار شکل‌گیری فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری، با استناد به داده‌های گردآوری شده طی مشاهدات میدانی، اسناد و برنامه‌های تاریخی، کدهای منتج از مصاحبه‌ها و آمارهای رسمی سازمان‌های مسئول به تصویر کشیده شده است. پس از بررسی روند شکل‌گیری فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری (به عنوان شرایط)، نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره به عنوان نیروهای فشار یا محرک پدیدار شدن شرایط نام برده بررسی شدند. نیروهای محرک که به عنوان عوامل فشار برای وقوع این روند در نظر گرفته شدند، شامل نیروی طبیعی (تحول سطح آب دریای کاسپین)، نیروی سیاسی (تحولات سیاسی ملی همچون جنگ، سیاست‌های خارجی، انسجام درونی و غیره)، نیروی جمعیتی-اجتماعی (نرخ رشد جمعیت و میزان شهرنشینی، الگوهای رفتاری تفریحی درون و بیرون دروازه‌ها و غیره)، نیروی اقتصادی (تحولات فعالیت‌های اقتصادی از جمله اقتصاد گردشگری، کشاورزی و قیمت زمین و ساختمان در فضاهای انحصاری و پیرامونی درمقیاس ملی و منطقه‌ای و همچنین تحولات ارزش نفت) هستند. برنامه‌ها و قوانین رسمی به عنوان ابزارهای هدایت و مهار تحولات فضاهای پیراشهری در نواحی ساحلی نیز به عنوان پاسخ به شرایط یاد شده، در بازه‌های زمانی گوناگون در نظر گرفته شدند. بدین ترتیب، لایه‌های نهفتهٔ زیرین وقوع هریک از سناریوهای شکل‌گیری فضاهای انحصاری در محدودهٔ مورد مطالعه، که به عنوان نیروهای محرک برای پدیدار شدن

شرایط و روند یادشده عمل می‌کردند، تشریح شدند تا درک عمیق‌تری از تحولات فضایی تولید فضاهای پیراشهری صورت‌بندی شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحلیل، در دو قسمت اصلی تشریح می‌شوند؛ نخست؛ برون‌داد فرایند توأمان کدگذاری و تحلیل شرایط، با معرفی انگاشت‌های گزینشی استخراج شده تشریح می‌شود. دوم؛ الگوی انگاشتی از سازوکارهای شکل‌دهنده به فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری، طی معرفی کدهای محوری و در نهایت معرفی فرایند حاصل شده تشریح می‌شود.

نخست: تشریح و تحلیل انگاشت‌های گزینشی به عنوان برون‌دادهای بکارگیری توأمان فنون کدگذاری و تحلیل شرایط

برای هر یک از انگاشت‌های گزینشی، کدهای کانونی و کدهای باز که شالوده شکل‌گیری این انگاشت را تشکیل می‌دهند و نیز تحلیل‌های ناشی از یادداشت‌برداری و تحلیل شرایط انجام شده، به تفصیل تشریح می‌شوند. اشاره به این نکته ضروری است که تحلیل‌های کدگذاری، یادداشت‌برداری و تحلیل شرایط به شدت در هم تنیده هستند و می‌توانند برای روشنگری و وضعیت یکدیگر بکار روند. برای مثال، تحلیل شرایط انجام شده در بند انگاشت گزینشی تعارض قدرت، برای انگاشت گزینشی بهره‌جوئی توده‌ای یا انگاشت گزینشی چاقوب نهادی بهره‌جو نیز کاربرست دارد.

انگاشت گزینشی تعارض قدرت

تعارض، اشاره به شرایط ناسازگاری دارد. این انگاشت گزینشی برخاسته از یکپارچگی کدهای کانونی‌ای چون کنش‌گری دولت، حکومت، بخش عمومی (شهرداری)، سامانه توزیع قدرت و تضاد منافع فردی/گروهی و عمومی است. نگارندگان برای تشریح بیشتر و زمینه‌مندتر ساختن این انگاشت، ضمن توجه به یادداشت‌برداری‌های حین مصاحبه برای دریافت لایه‌های پنهان در میان کنش‌های منافع بازیگران، از فن نقشه‌دنیای اجتماعی کنش‌گران استفاده کرده‌اند. در این فرایند کنش‌گران دولتی، حکومتی، شهرداری و سازمان‌های دولتی متولی مدیریت فضاهای پیراشهری، دهیاری، توسعه‌دهندگان، مالکان زمین‌های کشاورزی، ساکنین شهرهای مرکزی و بازدیدکنندگان فضاهای ساحلی به عنوان اصلی‌ترین کنش‌گران در نظر گرفته شدند. برون‌دادهای تحلیل نشان داد که منبع قدرت برای کنش‌گری میان این بازیگران در قالب قدرت ناشی از مرجعیت صدور مجوز ساخت و ساز، برخورداری از بهره قدرت سیاسی، برخورداری از بهره قدرت مالی، برخورداری از قدرت مالکیت زمین کشاورزی و برخورداری از نفوذ و رابطه با بدنه تصمیم‌گیری بوده است. آنچه از تقابل منافع کنش‌گران حاصل شد آن است که مهم‌ترین تعارض‌های موجود میان بازیگران، نه تعارض برای

بهره‌مندی عمومی، احیای حق عمومی برای دسترسی به منابع عمومی و آزادسازی محرومیت‌ها و انحصاری شدن‌ها، که افزایش میزان سهم‌بری از بهره توزیع شده است. این سهم‌بری از بهره برای هریک از بازیگران، جلوه‌ای متفاوت یافته است. برای مثال، تعارضی که میان سازمان‌های دولتی مالک فضاهای انحصاری با ساکنین روستاهای پیرامونی وجود دارد، نه به دلیل محدود کردن دسترسی ساکنین روستا به دریا است، بلکه برای دربرگیرندگی قلمرویی زمین‌هایی است که ارزش مصرفی آن‌ها کاسته شده و به ارزش مبادله‌ای آن‌ها اضافه شده است. به طوری که این زمین‌ها، در رویکرد مدیریت روستا، به عنوان منبع درآمد تلقی می‌شوند. یا در تقابل منافع ساکنان درون شهری با توسعه‌دهندگان پیرا شهری برای انحصاری کردن فضاهای ساحلی عمومی، تعارض نه در محدودیت دسترسی، که بر افت ارزش زمین‌های درون شهری نسبت به زمین‌های پیراشهری و هدایت جریان سرمایه به بیرون از شهر بروز یافته است. از سوی دیگر، هم‌رأیی‌های انجام شده میان کنش‌گران نیز نه از جنبه همکارانه برای تغییر شرایط، بلکه برای رضایت‌مندی از میزان سهم‌بری از بهره توزیعی بوده است. در این میان، سازمان‌های متولی مدیریت پیراشهری، از سازوکارهای ساخت‌وسازهای پیراشهری به دلیل دریافت مابه‌ازای عوارض مالی، بهره‌می‌برند. از این رو اگرچه در ظاهر امر، تعارض‌های وظیفه‌ای رخ می‌دهد اما در باطن، سازگاری در پیش‌برد منافع ناآشکار در حال وقوع است. به همین ترتیب، کنش‌گری دهیاری نیز از فعالیت‌های واسطه‌گری برای فروش زمین‌های کشاورزی و ورود به بازار مستغلات توسط توسعه‌دهندگان، به دلیل ارزش افزوده ایجاد شده بهره‌می‌برد. به طوری که از سال ۱۳۸۵، افزایش چشم‌گیری در قیمت زمین‌های روستایی نزدیک به اجتماعات دروازه‌ای و انحصاری مشاهده شد. در این فرایند هم‌چنین، سازمان‌های دولتی و حکومتی به دلیل آنکه هر دو در انحصاری شدن فضای پیراشهری با مالکیت و عدم آزادسازی فضا، دخالت دارند، در انجام وظایف پایش‌گرایانه خود تساهل کرده و به سازش می‌رسند. در این میان، تنها گروهی نسبت به جریان فضایی موجود در زمین‌های پیراشهری در تعارض است که سهم اندکی از منابع بهره داشته باشد. برای مثال، حتی در میان بازدیدکنندگان ساحل نیز، گروه‌هایی که امکان ورود و خروج آزادانه به این فضاها طی رابطه خانوادگی، دوستانه و غیره با مالکان واحدهای مسکونی و یا حتی نگهبانان و کارکنان درون مجموعه را دارند، نسبت به انحصاری شدن فضای عمومی ساحل تعارضی ندارند. در کدهای کانونی بعدی - به ویژه در بخش اقتصاد سیاسی غیر مولد- در خصوص چرایی وقوع این نوع تعارض و هم‌رأیی و عقلانی بودن آن از سوی کنش‌گران بیشتر بحث می‌شود. نمونه‌ای از کدگذاری باز برای کدکانونی «کنشگری شهرداری» به شرح زیر است:

"بخش عمده‌ای از درآمد روستای ما بود. اومد تو حریم شهر عوارض را اخذ می‌کنه و نزاع و درگیری شد. درآمدی که توسعه روستا را باعث می‌شد شهرداری داره می‌گیره. وقتی روستایی‌ها می‌گن مشکل داریم یعنی درآمدها در خود منطقه انجام نمی‌شه. ما می‌گیریم

چه لزومی دارد درآمد عوارض این جا بره پشت امامزاده ابراهیم بابلسر هزینه بشه.
متأسفانه نفوذ سیاسی باعث شد مردم محروم بشن (P2:18).

انگاشت گزینشی اقتصاد سیاسی بهره‌ای

کدهای کانونی شکل‌دهنده به این انگاشت، نقش پول در مناسباتِ مهار و پایش فضای پیراشهری، نقش روابطِ سیاسی در مناسباتِ مهار و پایش فضای پیراشهری و سامانهٔ اقتصادِ غیرمولد هستند. اهمیتِ بیش از ظرفیتِ نهاد پول در برابر ارزش‌های مصرفی چون منابع طبیعی، چشم‌اندازهای ویژهٔ محیط زیستی، کیفیتِ زندگی، حق دسترسی عمومی به اموال عمومی، در سازوکارهای مهار و پایش تحولات فضایی پیراشهری، به تساهل سازمان‌های متولی مدیریت پیراشهری نسبت به وظایف خود منتهی شده است. این سازمان‌ها از یک سوی وظیفهٔ نگهداشت منابع ملی را بر عهده دارند و از سوی دیگر، حیات خود را وابسته بر نقض این گزاره، یعنی دریافت مابه‌ازای مالی در جریان تخریب فضای پیراشهری می‌دانند. وابستگی کاری سازمان‌های دولتی در سطوح گوناگون به پول کسب شده ناشی از پرداخت عوارض تخلفات ساختمانی، یا به عبارتی کسب درآمدی بدون انجام کوشش و تنها با اتکا به کنش دیگری آن هم از نوع کنش خلافِ هنجارهای پذیرفته شده، این انگاشت را می‌پروراند که این پول است که کارآفرینی می‌کند. روایت مشارکت‌کننده‌ای از دهیاری روستا در این باره به شرح زیر است:

"با رفتن اسلام آباد درآمد ما خیلی کمتر شد. کار ما کم شده. جایی هست که می‌پسندند و خرید و فروش زیاد می‌شه ویلا سازی شد و الان درآمدش از ما بیشتر هست. اون ور زمین بهتر هست. کسی که از تهران می‌آد اونجا را بیشتر می‌پسندد. نزدیک به خزرشهر هست و هم این که غیربومی هستن" (P1:12).

عدم تناسب میزان جریمه و صدمه و تمایل به دریافت پول در ازای تخلف نیز از نقش بازدارندگی جریمه کاسته و برای گروه‌های متخلف که طبق برون‌دادهای این پژوهش غالباً از قشر برخوردار از قدرت سیاسی اقتصادی هستند، مانع کنش‌گری خلاف قانون محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، دخالت موضوعات سیاسی به جای روندهای برنامه‌ریزانه، در تصمیم‌گیری برای زمین‌های پیراشهری از دیگر عواملی است که بر نقش اقتصاد سیاسی غیرمولد و بهره‌ای در شکل‌گیری فضاهای انحصاری پیراشهری می‌افزاید. تغییر جهت برنامه‌ریزی‌های انجام شده با تصمیم‌های بالادستی، سلیقه‌ای و منتج از قدرت‌های فردی و نه منفعت جمعی، از کارآمدی سازوکار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این زمینه کاسته است. هم‌چنین، عدم توازن میان تولید و توزیع منابع، از عوامل مهم اقتصاد سیاسی غیرمولد است. در شرایطی که مهم‌ترین منبع درآمد سازمان‌های دولتی و حکومتی برای هدایت فضاهای پیراشهری از درآمدهای نفتی است، رابطهٔ دوسویهٔ دولت و دیگر سطوح به رابطهٔ یک‌سویهٔ بالا به پایین تبدیل شده و با کنش‌گری قدرتمند دولت به دلیل در اختیار داشتن منابع درآمدی کلان و توزیع‌کنندهٔ بهره‌درآمد بدون کوشش ناشی از نفت- در بخش‌های اقتصادی و توسعهٔ

بخش‌های اقتصادی واردات، خدمات به جای بخش‌های مولد چون کشاورزی و صنعت، جریان سرمایه‌گذاری را به سوی بازار مستغلات هدایت کرده است. در این زمینه، بررسی آمار قیمت نفت و میزان تخلفات پیراشهری از دهه ۱۳۷۰ تا کنون نشان از همگنی این دو جریان با یکدیگر دارد. در سال‌های دهه ۱۳۸۰ قیمت نفت ایران روند فزاینده‌ای را طی کرد که تا سال ۱۳۸۸، با افت قیمت جهانی، روند کاهنده آغاز شد. به همین ترتیب، هم‌زمانی تحولات پیراشهری نیز در این سال، با چالش‌های درونی ایجاد شده و تحریم‌های اقتصادی ایران، جریان سرمایه‌گذاری را در تمامی بخش‌های اقتصادی درون کشور، کاهش داد که بخش ساختمان نیز از آن مستثنی نبوده است. همچنین سیاست‌های دولت در زمینه ساختمان و مسکن اجتماعی، موجب تشویق جریان سرمایه‌گذاری در این بخش شد، به طوری که در قالب احداث مجتمع‌های مسکن مهر، مرغوب‌ترین زمین‌های پیراشهری با چشم‌انداز ساحلی برای این ساختمان، مکان‌گزینی شدند و با کیفیت ویژه، در بازار خصوصی خرید و فروش شدند.

انگاشت‌گزینشی فرهنگ پش‌تیبان انحصاری بودن/شدن فضا

از دیگر انگاشت‌های مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای انحصاری، انگاشت فرهنگی است که به پذیرش و تشویق انحصاری شدن فضا کمک می‌کند. کدهای کانونی در این انگاشت، شامل کاستی در دانش محلی، مطالبه‌گری اجتماعی، هنجار چهاردیواری اختیاری و نقش رابطه عاطفی به جای قانون هستند. درک و دانش محلی نسبت به انگاشت توسعه و بینش بلندمدت نسبت به آن به جای تصور منافع زودبازده، از عواملی است که بستر شکل‌گیری فضاهای انحصاری پیراشهری را تسهیل کرده است. در شرایطی که ساکنین روستا نسبت به احداث مجتمع‌های انحصاری و دروازه‌ای در زمین‌های روستایی و ساحلی ابراز رضایت می‌کنند و آن را فرصتی برای اشتغال در امر خدماتی چون باغبانی، نگهبانی و غیره در نظر دارند، همچنین در شرایطی که مدیریت روستا، دهیاری به عنوان متولی صدور پروانه ساخت و ساز پیراشهری، از دانش تخصصی نسبت به اهمیت و پیامد ساخت پیراشهری برخوردار نیست، بستر سوداگری برای اختصاصی کردن فضا تدارک دیده می‌شود. نمونه از روایت مرتبط با موضوع توسعه محلی از نظر دهیار بدین شرح است:

"اجا که سر تا چند سال پیش باید با چکمه می‌رفتی اما الان این همه تو سعه یافتیم. اکثر کشاورزا فروختن زمین‌هاشون رو. ۶۰ درصد زمین دارن، بقیه زمین ندارن. پدراشون فروختن. کارگری و بنایی و برخی کارمند و آژانس و تاکسی، باغبونی تو شهرک و اینا هستن" (P1:35).

این امر به کاهش مطالبه‌گری جمعی نیز انجامیده است. درک ساکنین و بازدیدکنندگان از ساحل محدود به فضاهای درون‌شهری است. نگاه منفعت‌طلبانه-آن‌طور که در انگاشت تعارض قدرت تشریح شد- هم از سوی بخش رسمی و هم از سوی بخش غیررسمی به بی‌تفاوتی نسبت به اختصاصی شدن و از بین رفتن منابع عمومی و ملی دامن زده است.

هم‌چنین در این پژوهش مشخص شد که تمایل متقاضیان سکونت و فعالیت در فضاهای انحصاری، به کنش‌گری در عرصه‌های خصوصی به جای عمومی است. امکان‌پذیری بروز الگوهای رفتاری متفاوت، در این فضاهای محصور از مهم‌ترین انگیزه‌های توجه به عرصه خصوصی است. از سوی دیگر، انگیزه کسب و حفظ منزلت اجتماعی، با سکونت و فعالیت در این اجتماعات از دیگر عوامل فرهنگی است که بر شکل‌گیری این فضاها مؤثر واقع شده است. تصور ذهنی رایج از گذران اوقات فراغت در سواحل اختصاصی، نمایش سبکی جدید و غالباً تقلیدی از الگوهای غربی با نمایش کالاهای مصرفی-تومبیل شخصی، حیوان خانگی- که به ارتقای منزلت اجتماعی منتهی می‌شود از زمینه‌های فرهنگی مؤثر بر سازوکارهای شکل‌گیری فضاهای انحصاری است. از دیگر بسترهای فرهنگی، نقش رابطه خانوادگی، دوستانه و فردی به جای قانون در مناسبات تصمیم‌گیری فضایی است. در شرایطی که مرجعیت صدور مجوز ساخت‌وساز پیراشهری به دهیاری به عنوان محلی‌ترین نهاد منطقه واگذار شده است، غالب تصمیم‌گیری‌های انجام شده با ملاحظات روابط آشنایی به جای قانونی پی‌گیری می‌شود. پایش فعالیت‌ها در دهیاری روستاها و بررسی الگوهای رفتاری متقاضیان دریافت پروانه ساخت و مدیریت صدور مجوز، نشان داده است در اغلب این موارد، حتی تشخیص موقعیت زمین مورد نظر برای ساخت‌وساز، نه بر مبنای نقشه‌های برنامه‌هادی که بر مبنای آدرس‌های ذهنی از املاک آشنایان و اهالی روستا است.

انگاشت‌گزینشی کاستی در چارچوب نهادی رسمی هدایت، مهار و پایش تحولات فضایی پیراشهری

انگاشت‌گزینشی کاستی در چارچوب نهادی رسمی هدایت، مهار و پایش تحولات فضایی پیراشهری، از کدهای قانونی تعارض‌های قانونی، کاستی پایش قوانین، کاستی محتوایی قوانین، کاستی اجرای قوانین و کاستی در اسناد هدایت و برنامه‌ریزی تشکیل شده است. این انگاشت، به کاستی‌هایی که سامانه رسمی «هدایت، مهار و پایش» تحولات فضایی با آن مواجه است تأکید دارد و آن را از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری می‌داند. برای مثال برای کد قانونی تعارض قانونی، کدهای بازی چون عدم صلاحیت مشاورین املاک در انتقال سند ملکی، اهمیت سند رسمی در معاملات ملکی، قانونی بودن فرایندهای غیر قانونی، غیر قابل انتقال بودن اموال عمومی، غیر قانونی بودن معاملات قولنامه‌ای، تصویب مصوبه‌های مغایر با قانون اصلی، مغایرت مصوبه‌های برنامه‌های جامع و تفصیلی با قوانین اصلی و غیره شناسایی شدند. نمونه‌ای از روایت مشارکت‌کننده برای کد قانونی کاستی در اجرای قانون به شرح زیر است:

"پلاک‌های اول دریا هم از خیابون هشتم تا چهاردهم، پلاک‌های اولش قابلیت انتقال سند نداره. این خیابان‌ها قابلیت انتقال سند ندارند چون حریم شصت متر وجود داره دو تا پلاک فقط قابلیت انتقال داره. اون‌ها هم چون دریا رو خریده‌ان، محصور کردن، سنگ چین

کردن، فاصله شون با اون بنایی که احداث کردن سعی کردن به ۶۰ متر برسه. ۵ میلیارد هزینه بنا شد. شخسه مالکش" (P26:9).

انگاشت گزینشی ساختار فضایی مولد انباشت بهره

کیفیت سکونت در محله‌های مسکونی دروازه‌ای، کیفیت سکونت در محله‌های درون شهری، برخورداری از مزیت‌های مکانی از کدهای کانونی‌ای هستند که شکل‌دهنده انگاشت گزینشی ساختار فضایی مولد انباشت بهره به عنوان بستر ساز برای ظهور فضاهای انحصاری در محدوده هستند. «نارضایتی از ناامنی در محلات مسکونی درون شهر»، «ضعف خدمات گردشگری در ساحل عمومی»، «ازدحام درون محله‌های مسکونی» و غیره از کدهای باز شکل‌دهنده به کدکانونی کیفیت سکونت در محله‌های درون شهری، هستند. همچنین «انگیزه بهره‌مندی از خدمات رفاهی»، «امکان برگزاری همگانی جشن‌های خاص»، «عدم ارتباط ساکنین درون اجتماعات با ساکنین پیرامونی»، «همبستگی درونی ساکنین»، «پرداخت جمعی هزینه‌های نگهداشت فضای عمومی»، «وابستگی عملکردی به شهرها»، «تناقض با هنجارهای فرهنگی پیرامونی»، «تعامل اجتماعی متأثر از فرم کالبدی ویلاها» و غیره از کدهایی هستند که خصوصیات کیفی سکونت و فعالیت در این اجتماعات را مشخص می‌کنند. روایتی از ساکنین اجتماع دروازه‌ای به این شرح است:

"اینجا با همسایه‌ها آشنا هستیم رفت و آمد هم داریم. اونها که چندساله می‌شناسیم. اما این که کار مشترک بکنیم و این‌ها زیاد نه. فقط جلسات مدیریت هست که شرکت می‌کنیم. دغدغه‌مون این هست آرامش اینجا رو حفظ کنیم از بین نره. ما به خاطر این آرامش اومدیم. نباید این ساختوسازهای جدید توی شهرک تأثیر بگذاره." (P20:8).

مطلوبیت مکانی نواحی پیراشهری برای بازدیدکنندگان عمومی از ساحل و نیز متقاضیان خرید کالا و خدمات از مجتمع‌های تجاری پیراشهری افزایش یافته است. در مقیاس کلان هم‌چنین، سهولت دسترسی منطقه به پایتخت، دسترسی به شهرهای پیرامونی به عنوان مراکز خدمات رفاهی، برخورداری از منظر و چشم‌انداز طبیعی منحصر به فرد با وجود کوه، دریا و جنگل، جریان فضایی جمعیت و سرمایه را برای حضوپذیری و ساختوسازهای انحصاری به این سو هدایت کرده است. به طوری که میزان سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان در این نواحی همواره بیش از متوسط نقاط شهری کشور بوده است. از سوی دیگر، روند افزایشی در میزان سرانه جمعیتی، نشان‌دهنده کاهش برخورداری از فضاهای باز و افزایش ساختوساز در این منطقه است. بررسی این روند همچنین نشان داده است که از سال‌های ۱۳۸۵ به بعد، شدت بیشتری در افزایش سرانه جمعیتی رخ داده است که طبق آنچه در انگاشت اقتصاد سیاسی غیرمولد تشریح شد، شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور بر آن مؤثر واقع شده است. از دیگر نمودهای ساختار فضایی مولد بهره، در ارزش‌یافتن زمین‌های روستایی پیراشهری است. هم‌سو شدن ارزش زمین‌های پیرامون اجتماعات دروازه‌ای که بستر روستایی دارند با ارزش زمین‌های درون اجتماعات که بستری با کیفیت فضایی مشخص دارند، نشان‌دهنده تقاضای بالا برای

استقرار فعالیت در این نواحی و استفاده از بهره‌تجمعی از سوی سرمایه‌گذاران است. موارد یادشده، بر اهمیت ساختار فضایی مولد انباشت بهره و شکل‌گیری فضاهای انحصاری پیراشهری اشاره دارند.

انگاشت‌گزینشی بهره‌جویی توده‌ای

از دیگر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری مورد مطالعه، بهره‌جویی توده‌ای است. اگرچه این انگاشت تنها یک کد کانونی را شامل می‌شود، اما به دلیل اهمیت آن، به عنوان یک انگاشت‌گزینشی در نظر گرفته شده است. در ادامه فرایند کنش‌گری گروه‌های رسمی همچون کنش‌گری دولت، شهرداری و حکومت در سازوکارهای شکل‌گیری فضاهای انحصاری، ورود گروه‌های غیررسمی همچون طبقه متوسط شهرنشین در گروه‌های گوناگون شغلی به بازار مستغلات و فعالیت‌های ساختمانی، نشان از روند بهره‌جویی توده‌ای دارد. گروه‌های غیررسمی هم‌چون گروه‌های مردمی، سازمان‌های خصوصی، موسسات، نهادهایی که فعالیت‌های انتفاعی انجام می‌دهند و حتی، شخصیت‌های حقوقی که خود عضوی از نهادهای رسمی محسوب می‌شوند نیز در سازوکارهای تولید فضای انحصاری در محدوده مورد مطالعه، نقش ایفا می‌کنند. کد کانونی منتخب در این زمینه، کنش‌گری گروه‌های غیررسمی است که کدهای بازی چون انگیزه نگهداشت سرمایه شخصی، کنش‌گری بخش خصوصی، بی‌اعتمادی دولت به بخش خصوصی، ورود طبقه متوسط به بازار مستغلات، ورود کنش‌گران غیربومی به بازار مستغلات، کنش‌گری دهیاری‌ها در مشاورین املاک، انگیزه کسب منزلت اجتماعی و غیره، نشان از توده‌ای شدن بهره‌مندی اختصاصی از فضاهای عمومی دارد. مصداقی از روایت‌های مرتبط با این موضوع بدین شرح است:

"تصمیم گرفتم ویلا در دریاکنار بخرم تا این که سرمایه‌ای رو که دارم حفظ بشه و هم این که از کار تو تهران خسته شدم و قصد دارم تا ۵ سال دیگه این جا ساکن شم" (P23:2).

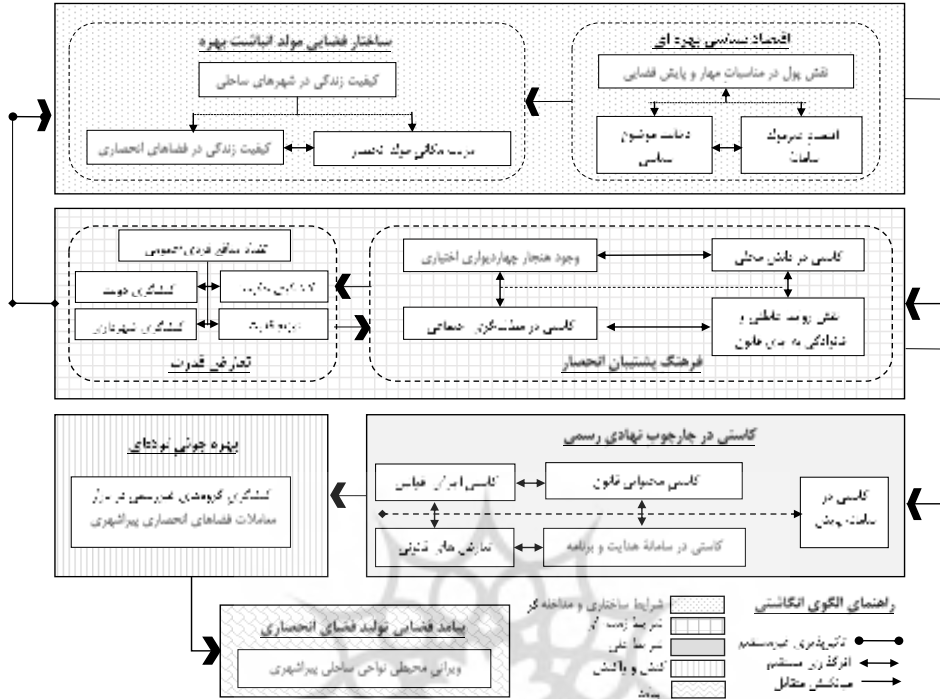
از مثال‌های بهره‌جویی توده‌ای، فرایند تغییر کاربری زمین کشاورزی در سطح خرد است. درخواست تغییر کاربری زمین کشاورزی همراه با اعلام‌های دریافتی از سازمان‌های مربوطه، به دبیرخانه کمیسیون تبصره یک ماده یک قانون حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها که در سازمان جهاد کشاورزی استان است ارائه میشود. در صورت موافقت تغییر کاربری زمین، کارگروه زیربنایی استان، ضوابط ساخت و نوع کاربری زمین مربوطه را تعیین می‌کند و در نهایت شورای برنامه‌ریزی توسعه استان نیز وظیفه تصویب آن را بر عهده دارد. در صورتی که ملک خارج از محدوده حریم و شهر روستا باشد، سازمان همیاری شهرداری‌های استان مرجع صدور پروانه ساختمانی است و در صورتی که ملک در محدوده روستا واقع باشد، دهیاری روستا مرجع اصلی صدور پروانه است. با کاهش سطح مرجعیت در صدور مجوز ساخت، زمینه‌های برخورداری از بهره‌مجاز ساخت مازاد بر حد مجاز - کاهش می‌یابد. فرایندهای

اداری برای انجام امور سریع‌تر انجام شده و هزینه پایین‌تری برای عوارض صدور پروانه پرداخت می‌گردد. از سال ۱۳۹۱، با توجه به بند یک ماده ۱۹۴ قانون برنامه پنجم توسعه، موارد الحاق به بافت روستا در کمیته طرح هادی مطرح می‌گردد. رویکرد این کمیته نیز در گسترش کالبدی سطح روستا برای برخورداری بیشتر از درآمدهای بهره‌ای ناشی از عوارض ساخت‌وساز است. بدین ترتیب، با اغلب این تقاضاها موافقت می‌شود و جریان بهره‌جویی به طور متکثر در سطح خرد و میانی اجتماع گسترش می‌یابد.

دوم: یکپارچه سازی تحلیل و خلق نظریه تولید فضای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری کرانه جنوبی دریای کاسپین

آنچه روابط دو سویه، دلیلی، ساختاری و زمینه‌ای بین انگاشت‌ها را مشخص می‌کند، فرایندهای تحلیلی ذهنی و عینی پژوهش‌گر در حین فرایند پژوهش و با تأکید بر همزیستی دو مرحله برساختن داده و تحلیل داده است. خلق نظریه پایه، با مشخص ساختن رابطه کدهای گزینشی و کانونی بدست آمده با کد محوری که همان تولید فضای انحصاری است، صورت بندی می‌شود. چارمز برای ساخت این الگوی روابط، عوامل ساختاری، زمینه‌ای، علی، واکنشی و برون‌دادی را معرفی کرده است. پرسش‌های آغازین پژوهش، به طور انضمامی بر این روابط دلالت داشته‌اند. بدین ترتیب، پاسخ این پرسش‌ها پیش‌تر به کدهای باز، کانونی و گزینشی تبدیل شده و این بار، در رویکردی بازبینانه، از سوی تحلیل‌های یکپارچه پژوهش پاسخ داده می‌شود. سپس با بررسی ادبیات موضوع - حاساسیت نظری آنها - تدقیق می‌شود. یافته‌ها نشان داده‌اند که تعارض قدرت و بنیان فرهنگی پذیرنده مشوق انحصار، زمینه را برای تولید فضای انحصاری فراهم کرده‌اند. این شرایط ساختاری و زمینه‌ای، بر ظهور شرایط علی تولید و بازتولید تاریخی و معاصر فضاهای اختصاصی شده که همان «کاستی در چارچوب نهادی رسمی» است تأثیر دارند. با انحصاری شدن کالای عمومی از جمله زمین ساحلی طی کاستی‌های چارچوب نهادی رسمی از جمله کاستی در اجرا، محتوا و پایش ابزارهای رسمی هدایت و مهار تحولات فضایی پیراشهری، کنش‌ها و واکنش‌های توده‌ای برای آن خود ساختن هرچه بیشتر فضاهایی که به نوعی از مزیت مکانی برخوردار از چشم‌اندازهای طبیعی، دسترسی به مراکز کار و فعالیت و غیره برخوردارند، افزایش یافته است. در نهایت این امر، پیامدهایی چون جدائی‌گزینی اجتماعی، نابودی زمین‌های بارز کشاورزی، زمین‌های ساحلی، آشفستگی کالبدی ساخت‌وساز را موجب شده است (تصویر ۲).

تصویر ۲: الگوی انگاشتی تولید فضای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری؛
منتج از تحلیل فرایندهای چهارگانه کدگذاری



در ادامه هر یک از موارد نام برده تشریح شده و طی مرحله حساسیت نظری، مختصات مورد مطالعه این پژوهش، نسبت به نظریه‌ها و تجارب مرتبط، بحث می‌شود. بدیهی است در مرحله حساسیت نظری، امکان مقایسه با تمامی رویکردهای نظری ارائه شده ممکن نیست اما کوشش این پژوهش آن است تا بارزترین و رایج‌ترین متون و منابع برای این منظور بررسی شود.

الف- تشریح شرایط ساختاری مؤثر بر تولید فضای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری
حساسیت نظری برای شرایط ساختاری، شامل دو امر اقتصاد سیاسی بهره‌ای و ساختار فضایی مولد انباشت بهره است.

الف-۱. حساسیت نظری برای انگاشت اقتصاد سیاسی بهره‌ای به عنوان عامل ساختاری مؤثر

بررسی نظریه‌های رایج موجود در خصوص شکل‌گیری فضاهای انحصاری، نشان از تولید و بازتولید این نوع فضا در بستر اقتصاد سیاسی نئولیبرال دارد (کل ۲۰۱۵، کربی ۲۰۰۸، اراکچی ۲۰۰۵، تدونگ و همکاران ۲۰۱۴، پاو ۲۰۱۳) و نمود اصلی تولید فضا تحت این انگاشت، شکل‌گیری جغرافیای نامتوازن، نابرابر و در نتیجه گسست فضایی-اجتماعی بوده است (هادکینسون ۲۰۱۲، واکس ۲۰۰۹). هاروی با تأکید بر این امر که شهرها و محلات شهری

به دست بخش خصوصی و شبه خصوصی و در راستای منافع توسعه‌دهندگان و نه منافع عموم شکل می‌گیرند به تقویت این نظریه که اقتصاد سیاسی نئولیبرال بستر ساختاری را برای شکل‌گیری فضاهای انحصاری فراهم کرده است قوت بخشیده است (هاروی، ۲۰۰۸).

اما تولید فضا در ساختار اقتصاد سیاسی بهره‌ای در پژوهش حاضر با تولید فضا در اقتصاد سیاسی نئولیبرال که متون و منابع جهانی به آن به عنوان بستر شکل‌گیری فضاهای انحصاری در نواحی پیراشهری اشاره کرده‌اند در سه زمینه متمایز می‌شود. نخست از جنبه ماهیت سرمایه، دوم، از جنبه ماهیت انباشت سرمایه و سوم از نظر کنشگری بخش عمومی. اساس شکل‌گیری فضا در بستر اقتصاد سیاسی نئولیبرال، بر انباشت سرمایه است. توسعه شهری در سرمایه‌داری برحسب «تولید ارزش افزوده اقتصادی فزاینده»، «مصرف باوری»، «دخاله مستقیم و غیرمستقیم دولت در فرایند تولید» و «تغییر فضای مصنوع» برای حمایت از منافع سرمایه صورت بندی می‌شود. در این رویکرد، اساس ظهور ارزش افزوده اقتصادی، انجام کار و کار اضافه برای کسب ارزش اضافه است. این در حالی است که برون‌داد تحلیل‌های این پژوهش، نشان می‌دهد به دلیل وابستگی منابع درآمد دولت به منبع طبیعی نفت، همواره ارزش اضافه‌ای بدون کوشش، ساختارهای هدایت و مهار را در سطح منطقه شهری، استوار نگاه می‌دارد و آن را بی‌نیاز از انجام کار برای حصول ارزش اضافه می‌کند. از این رو این نظام، به عنوان نظام اقتصاد سیاسی بهره‌جو کارکرد می‌یابد. از سوی دیگر، آنچه در بستر اقتصاد سیاسی نئولیبرال رخ می‌دهد، همکاری بخش خصوصی به عنوان صاحب سرمایه و کار، با بخش عمومی، با هدف کمک به سامانه خدمات رسانی و انباشت سرمایه برای تولید است. اما آنچه در نظام اقتصاد سیاسی بهره‌جو در قالب سازوکارهای چانه‌زنی رخ داده است، با هدف توزیع بهره (بودجه مدیریت عمومی تحولات فضایی) و نیز مبادله ارزش‌های فضایی است. به طوری که تحلیل تعارضات قانونی این پژوهش نشان داده است، ارزش‌های فضایی محیط که در کالاهای عمومی نهفته هستند همچون زمین‌های باارزش محیط زیستی، منظره دریا و ساحل، منظره جنگل و غیره، طی قراردادهای رسمی و غیررسمی به فروش می‌رسند. در این فرایند چانه‌زنی، عوامل سیاسی همچون نتیجه انتخاباتی (دهیاری)، نفوذ قدرت‌های بالادستی و غیره، تعیین‌کننده سهم‌بری بخش عمومی و خصوصی خواهند بود. مالکیت زمین‌های ملی (چه زمین‌های حفاظت شده جنگلی و چه زمین‌های مصادره‌ای پس از انقلاب اسلامی) نیز که در اختیار دولت است به نوعی بهره محسوب می‌شود که تحت گفتمان گردشگری به اشخاص و گروه‌ها واگذار شده و سپس به تملک بخش خصوصی درآمده‌اند. در هر دو مورد یادشده، باور به پول به عنوان ابزار کنترل‌کننده که در شرایط اخذ جریمه تخلفات فضایی عینیت می‌یابد و گفتمان وابستگی عملکردی سازمان‌های دولتی به منابع مالی اضافی، نشان از توزیع بهره و نه انباشت سرمایه است. همچنین، کنشگری بخش عمومی، دولتی و حکومتی در بستر اقتصاد سیاسی نئولیبرال، به عنوان تسهیل‌کننده فرایند انباشت سرمایه برای بخش خصوصی عمل می‌کند. این در حالی است که برون‌دادهای این پژوهش نشان داده‌اند سطح زیادی از فضاهای عمومی

ساحلی توسط کنش‌گری عناصر عمومی، دولتی و حکومتی اختصاصی شده است که این امر امکان رقابت را که رکنی اساسی در اقتصاد سرمایه‌داری است، نقض می‌کند.

الف-۲. حساسیت نظری برای انگاشت ساختار فضایی مولد انباشت بهره به عنوان عامل ساختاری

از دیگر شرایط ساختاری مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای انحصاری در کرانه جنوبی دریای کاسپین، ساختار فضایی مولد بهره است. بررسی ادبیات موضوع نشان داده است که روند رشد فضایی اجتماعات دروازه‌ای در حریم بزرگ شهرها، تحت الگوی مزیت مکانی ناشی از برخورداری از مناظر طبیعی و شبکه‌های ارتباطی (ژائو ۲۰۱۰، توپلیر ۲۰۰۵) و صرفه‌های ناشی از تجمع، هدایت می‌شود (کاماگنی و همکاران ۲۰۱۵، آندرسون و همکاران ۲۰۱۴). در این پژوهش نیز مزیت‌های مکانی فضای ساحلی همراه با ویژگی‌های کیفی عناصر کانونی (سکونتگاه‌های روستایی، شهرهای ساحلی)، و نیز عناصر محوری آن - شبکه ارتباطی جاده ساحلی - شرایط ساختاری تمرکز سکونت و فعالیت را فراهم کرده است. از دهه ۱۳۴۰، با احداث جاده ساحلی، نوار ارتباطی که در امتداد ساحل شکل گرفته است و همچنین با احداث جاده هراز (در ۱۳۴۱)، دسترسی به کرانه ساحلی از استان‌های پیرامونی منطقه، به ویژه پایتخت افزایش یافت. مزیت مکانی ناشی از جاذبه‌های طبیعی و سهولت دسترسی به پایتخت، اندیشه ایجاد فضای انحصاری برای گروه‌های ویژه اجتماعی از جمله نزدیکان به دربار و افراد متمول را شکل داد. با وقوع انقلاب اسلامی و مصادره بسیاری از زمین‌های پیراشهری در این محدوده، سکونت در این فضاها تداوم یافت و املاک دولتی متعلق به وزارتخانه‌ها در زمین‌های ساحلی نیز به حیات خود ادامه دادند. با تداوم سکونت و فعالیت قشر متوسط در فضاهای انحصاری پیراشهری، جریان تولید و مصرف فضاهای انحصاری برای سکونت دائم و موقت، استمرار یافت و به تدریج، با وجود صرفه‌های ناشی از تجمع بنگاه‌های اقتصادی به احداث گونه سوم از فضاهای انحصاری؛ مراکز تجاری لوکس، روی آوردند. با شکل‌گیری فضاهای انحصاری تازه احداث شده، در زمین‌های ساحلی باقی مانده و نیز زمین‌های کشاورزی جنوب محور ارتباطی، همچنین سهولت دسترسی شهروندان شهرهای ساحلی پیرامون و حتی بازدیدکنندگان دیگر مناطق به ویژه تهران، در روندی فزاینده، مجتمع‌های تجاری لوکس در پیرامون فضاهای انحصاری استقرار یافتند. همچنین، بسیاری از افراد ساکن در روستاهای پیرامونی این فضاهای انحصاری، نیروی انسانی مورد نیاز برای برقراری امنیت، باغبانی، نیروی کار ساختمانی و خدمات‌رسانی درون فضاهای اختصاصی که به طور مشترک توسط ساکنین نگهداری می‌شود، را تأمین می‌کنند.

اما، وجه تمایز کاربست انگاشت صرفه‌های ناشی از تجمع، در شکل‌گیری اجتماعات دروازه‌ای مورد مطالعه، با متون و منابع موجود، در انگیزش اقتصادی سکونت در اجتماعات دروازه‌ای است. در حالی که انگیزه غالب مالکیت در این اجتماعات محصور، نه برای کاهش

هزینه‌های تأمین خدمات رفاهی، بلکه برای افزایش بهره‌ناشی از تحولات ارزش ملک در بازار مستغلات و نیز نمایش منزلت اجتماعی بیشتر است، مطالعات نشان داده‌اند کاهش هزینه‌های نگهداشت کالاهای عمومی و تأمین اشتراکی خدمات رفاهی، از جلوه‌های اثرگذاری انگاشت صرفه‌ناشی از تجمع است (لیو و همکاران، ۲۰۱۰، وبستر، ۲۰۰۲).

ب. شرایط زمینه‌ای مؤثر بر تولید فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری مورد مطالعاتی

نتایج این پژوهش نشان داده است که تعارض قدرت و نیز بنیان‌های فرهنگی پذیرنده انحصار در اجتماع، شرایط زمینه‌ای را برای شکل‌گیری فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری مورد مطالعه، فراهم کرده‌اند.

ب-۱. حساسیت نظری انگاشت فرهنگ پشتمیان انحصاری شدن فضا به عنوان شرایط زمینه‌ای مؤثر

متون و منابع جهانی برای ارتباط بنیان‌های فرهنگی با شکل‌گیری فضاهای انحصاری، غالباً فرهنگ مصرفی اجتماع را که یکی از اهداف اقتصاد سیاسی نئولیبرال است به عنوان عامل اصلی فرهنگی مؤثر در تولید فضای انحصاری معرفی کرده‌اند (اینال چکیچ و همکاران ۲۰۰۹، لونت و گلومسر ۲۰۰۷، باگائین ۲۰۱۰). این پژوهش نیز این انگاشت را پشتیبانی می‌کند. از سوی دیگر، درک ناقص از حق عمومی دسترسی به ساحل میان شهروندان و بازدیدکنندگان و پذیرفتن روند معیوب انحصاری شدن فزاینده نوارساحلی توسط بخش‌های برخوردار از قدرت سیاسی و اقتصادی توسط ساکنین، تصور ذهنی افراد را از ساحل عمومی به نوارساحلی درون شهر تقلیل داده و در نتیجه تداوم پیوسته‌ای از نوارساحلی از درون شهر تا بیرون شهر و نیز در امتداد خط طبیعی ساحل دریای کاسپین را رقم نمی‌زند. حساسیت نظری اهمیت دانش رسمی و غیررسمی در مدیریت نواحی ساحلی پیراشهری، در مطالعات بسیاری پشتیبانی شده است (ویستاد و همکاران ۲۰۱۳، استپانوا ۲۰۱۴، بلیزارد و منگان ۲۰۰۸).

اما از ویژگی‌های تمایز بنیان‌های فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای انحصاری، در این پژوهش و دیگر مطالعات، روحیه فردباوری برای سکونت و فعالیت در فضاهای انحصاری قلمداد شده است (اشنل و همکاران، ۲۰۱۵). اگرچه برون‌داد این پژوهش نیز بر هنجار فرهنگ الویت‌دهی به فضاهای خصوصی نسبت به فضاهای عمومی دلالت داشته است، اما خاستگاه آن را متفاوت از دیگر جوامع تعریف می‌کند. یافته‌ها نشان داده‌اند که در طول زمان، با تشبیت هنجارهایی مبنی بر تعدیل نمایش برخی الگوهای رفتاری در فضاهای عمومی و در برابر ناظرین اجتماعی، تمایل به حفظ حریم خصوصی تحت اصطلاح «چهاردیواری اختیاری» قوت یافت تا متقاضیان در فضای خصوصی و تحت پایش خود و نه دیگری، آزادانه به فعالیت بپردازند. این امر، زمینه فرهنگی را برای افزایش خرید خانه‌های دوم توسط کنش‌گران مردمی

و نیز تصویب سیاست‌های گردشگر-مالک در ساختارهای رسمی سیاست‌گذاری فراهم کرده است.

ب-۲. حساسیت نظری انگاشتِ تعارضِ قدرت، به عنوان شرایطِ زمینه‌ای مؤثر ساختار نامتوازن قدرت در این پژوهش، نه تنها بر مغفول ماندن کنش‌گری شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فضاهای ساحلی دلالت دارد بلکه بر اهمیت سلسله مراتبی قدرت محلی، منطقه‌ای و ملی برای هدایت برنامه‌های آزادسازی ساحل عمومی تأکید می‌کند. برای این دو بعد یادشده، متون و منابع موجود تولید فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری، نقش حمایتی دارند (بیرل و کنیسکی ۲۰۰۱، میلیگان و همکاران ۲۰۰۹، اوربوردان و وارد ۱۹۹۷، تانگ ۲۰۰۸، اتکینسون و بلندی ۲۰۰۵). این مطالعات نشان می‌دهند با طی سازوکار همکارانه، دانش و ارزش‌های محلی در اسناد رسمی مورد توجه قرار می‌گیرد و کیفیت تصمیم‌ها، روابط میان کنش‌گران اصلی و ظرفیت گشودن تعارض‌های ساحلی افزایش می‌یابد.

پ- شرایط علی در تولید فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری

در شرایط ساختاری اقتصاد سیاسی بهره‌جو و ساختار فضایی مولد بهره و همچنین شرایط زمینه‌ای تضاد قدرت و بنیان‌های فرهنگی پذیرنده انحصار، چارچوب‌های نهادی رسمی به عنوان سازوکارهای هدایت، پایش و مهار تحولات فضایی نواحی ساحلی پیرا شهری، نیز به بهره‌جویی گرایش یافته‌اند. حساسیت نظری برای این مورد، در جستجوی ارتباط کنش‌گری چارچوب‌های نهادی با موضوع اختصاصی شدن فضای عمومی است. در متون و منابع رایج شکل‌گیری فضاهای انحصاری، کنش‌گری دولت به عنوان حافظ منافع عمومی، در قالب کوشش برای قانونی کردن دسترسی هرچه بیشتر عموم به فضاهای ساحلی و عمومی است. تدوین سازوکارهایی چون تهیه برنامه‌های یکپارچه هدایت و پایش تحولات فضایی نوار ساحلی، بازتعریف ساختارهای نهادی، ضوابط و مقررات بازپس‌گیری از بخش خصوصی همچون انتقال حق توسعه، کمک‌های فنی و حقوقی و غیره از جمله مواردی است که به پشتوانه قانونی و حقوقی رعایت منافع همگانی، از سوی دولت و بخش عمومی صورت‌بندی می‌شود. این قوانین تا آنجا پیشرفت دارند که در کمیته شرایط، گذر عمومی پیاده برای استفاده عمومی از ساحل فراهم باشد (کارتلیج ۲۰۱۱، راور و دریفورد ۱۹۹۷). این درحالی است که تحلیل ساختارهای قانونی و نهادی این پژوهش نشان داده است، بروز تعارض‌های قانونی در سطح خرد با سطح ملی، ساختاری و کلان‌مدیریت فضا که با تصویب مصوبه‌های معارض همراه است از یک سو و همچنین کنش‌گری این بخش‌ها در اختصاصی کردن ساحل و اولویت‌دهی به منافع سازمانی به جای منافع عمومی طی عدم اجرای قانون ملی از سوی دیگر، موجب قانونی شدن فرایندهای غیرقانونی شده و وجهه رسمی به کنش‌های غیررسمی و بهره‌جویانه داده است. با رسمیت‌یافتن کنش‌های غیرقانونی، عرصه برای مقابله با

اختصاصی شدن زمین‌های عمومی تنگ‌تر شده و نظام تولید و بازتولید این نوع فضا، استمرار یافته است. از این رو، دلایل اصلی شکل‌گیری این نوع فضاها در کرانه جنوبی دریای کاسپین، ریشه در چارچوب‌های رسمی نهادی دارد که در تعارض با وظایف و ماهیت وجودی خود مبنی بر پایش تحولات فضایی و مهار روند بهره‌جویانه در فضای ساحلی، به تشدید و تسهیل سازوکارهای معارض دامن زده است.

ت. شرایط کنشی-واکنشی تولید فضای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری

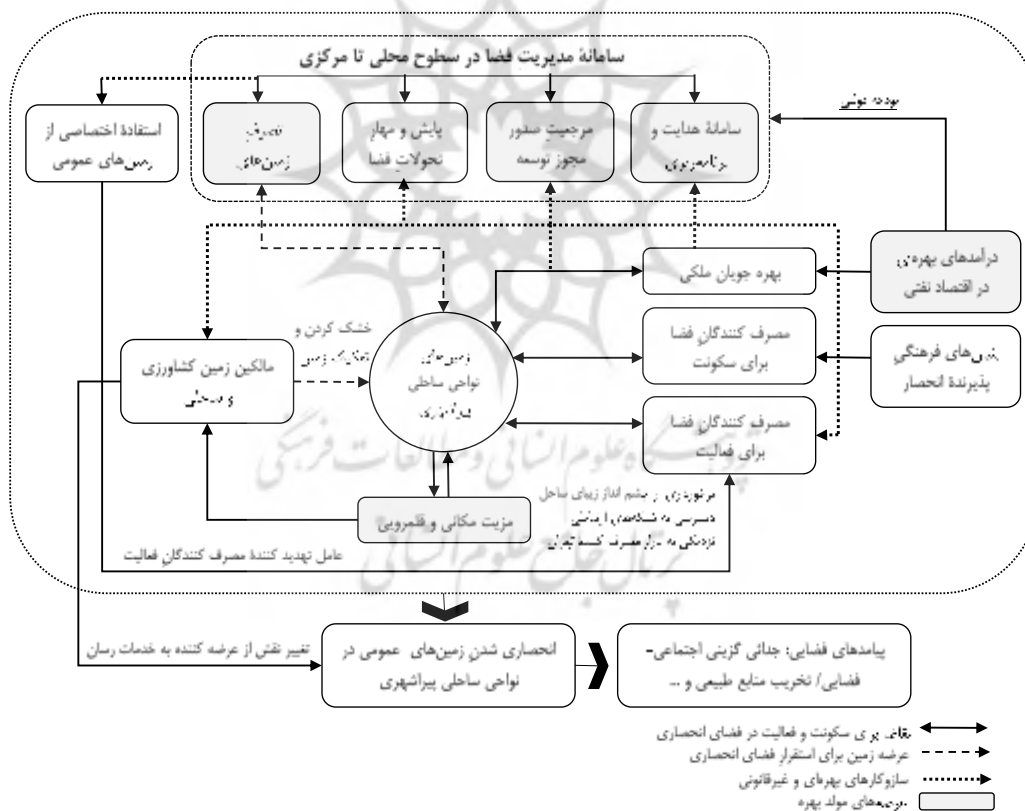
بسیاری از پژوهشگران بر نقش نخبگان جامعه، گروه‌های برخوردار از سرمایه در تولید فضاهای انحصاری تأکید داشته‌اند و آن را جزئی از سازوکار نظام اقتصاد سیاسی نئولیبرال تعریف کرده‌اند (گراهام و آریگی ۱۹۹۷، تاونشند ۲۰۰۶، کهن ۲۰۰۴، وویس ۲۰۰۶). شکل‌گیری فضاهای انحصاری با کنش‌گری گروه‌های نخبه یادشده، تحت گفتمان‌های کالایی‌شدن ارزش‌های کیفی محیط به ویژه امنیت (سامارا ۲۰۱۰، بادنر ۲۰۱۵)، گفتمان مصرف فرهنگ جهانی (بایکان و گلومسر ۲۰۰۷، اینال چکیچ و همکاران ۲۰۰۹) و نیز گفتمان مصرف کالایی (بادنر، ۲۰۱۵، اریکپ، ۲۰۰۵) صورت‌بندی شده است. از سوی دیگر، بسیاری نیز شکل‌گیری این نوع فضاها را به کنش‌گران سطوح پایین‌تر اجتماع از جمله شهروندان و گروه‌های پایین اجتماعی اقتصادی نسبت داده‌اند. تولید فضای انحصاری با کنش‌گری گروه‌های مردمی، تحت گفتمان افزایش مشارکت مردمی و کاهش هزینه‌های بخش عمومی در تأمین خدمات رفاهی (الین ۲۰۰۹، مکنزی ۲۰۰۵) و نیز افزایش امنیت محیط سکونت (زایرین و همکاران ۲۰۱۵، لندمن ۲۰۰۶) صورت‌بندی شده است. برون‌دادهای این پژوهش اما نشان داده است، کنش‌گری مردمی شامل مالکین زمین‌های کشاورزی، کشاورزان، گروه‌های اجتماعی اقتصادی متوسط بومی و غیربومی که در جستجوی ورود به بازار ملکی فضاهای دروازه‌ای هستند و همچنین کنش‌گری نخبگان اقتصادی نیز تحت گفتمان زیاد خواهی در بیشینه ساختن سود و به بیانی بهره‌جوئی در بازار مستغلات مربوطه است. این کنش‌گری، واکنشی به بهره‌جوئی نهادهای رسمی (عمومی، دولتی و حکومتی) است که سامانه‌ای از قصور بازتولید شده را شکل داده است. چانه‌زنی‌های نهادهای غیررسمی با نهادهای رسمی به ویژه در سطوح پایین همچون دهیاری‌ها، برای انجام تخلف (ساخت و ساز خارج از ضوابط و برنامه‌های مصوب) و پرداخت هزینه صدمه، همچنین تمایل به سکونت در فضاهای انحصاری به منظور حفظ سرمایه‌های مالی به جای بهره‌مندی از خدمات رفاهی و کیفیت‌های فضایی درون دروازه نسبت به بیرون آن، همکاری مالکین زمین‌های کشاورزی برای فروش زمین به افراد و گروه‌های توسعه دهنده به ویژه به مخاطبان غیربومی که از سازوکارهای بومی قوانین توسعه غافل هستند، نمونه‌هایی از کنش‌گری گروه‌های غیررسمی در سازوکارهای تولید و بازتولید فضای انحصاری در مورد مطالعاتی این پژوهش به شمار می‌روند.

بحث و نتیجه‌گیری

نواحی ساحلی پیراشهری، به دلیل برخورداری از موقعیت ویژه مکانی و طبیعی، همواره تحت فشار تقاضای فزاینده برای سکونت و فعالیت از سوی کنش‌گران گوناگون قرار دارند. تعارض منافع برای استفاده و بهره‌مندی از زمین‌های ساحلی گاه به صورت ظهور فضاهای انحصاری در قالب اجتماعات دروازه‌ای نمود عینی می‌یابند. اجتماعات دروازه‌ای، با برخورداری از دیوار، حصار و دروازه و نیز با برقراری امنیت ناشی از حضور نگهبانانی که ورود و خروج به مجموعه را پیش می‌کنند، زمینه را برای بهره‌مندی انحصاری از فضاهای داخلی این دروازه‌ها فراهم می‌سازند. در کرانه جنوبی دریای کاسپین در استان مازندران، از ۳۳۷ کیلومتر نوار ساحلی، حدود ۷۳ درصد آن تحت ساخت و ساز قرار گرفته است و تنها ۹۰ کیلومتر آن ساحل آزاد از ساخت و ساز است. حدود ۴۰ کیلومتر از این نوار ساحلی به طور انحصاری در قالب اجتماعات مسکونی-تفریحی دروازه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. انحصاری بودن این گونه فضاها، به قابلیت استفاده و بهره‌مندی از ساحل - به عنوان منبع طبیعی درون دروازه- تنها برای مالکین این نوع مجموعه‌ها باز می‌گردد که حق عمومی دسترسی به ساحل را برای ساکنین بومی، بازدیدکنندگان عمومی و تمامی گروه‌های اجتماعی-اقتصادی، محدود می‌سازد. این پژوهش با هدف تبیین سازوکارهای تولید فضاهای یادشده با استفاده از رویکرد روش‌شناسی کیفی و روش نظریه زمینه‌ای به استخراج کدهای اولیه، کانونی و گزینشی به عنوان مفاهیم پایه پرداخته و در نهایت الگوی تولید فضاهای انحصاری را در کرانه جنوبی دریای کاسپین ارائه کرده است. در این فرایند، کد کانونی «شکل‌گیری پیوسته فضای انحصاری» به عنوان کد محوری در نظر گرفته شده است و دیگر کدهای منتج شده نسبت به آن تحلیل شدند. با استفاده از فن مقایسه پیوسته کد اولیه با کد اولیه، کد اولیه با کد کانونی، کد کانونی با کد گزینشی و تحلیل یادآورهای نگاشته شده در طی هر مصاحبه، همچنین با حفظ شرایط بازتاب‌دهندگی که به حضور مستمر پژوهش‌گر در فرایند پژوهش اشاره دارد، شرایط علی، زمینه‌ای، کنشی و واکنشی تعیین شدند. تضاد منافع فردی/سازمانی با منافع عمومی، توزیع قدرت برای نگهداشت منافع عمومی، نقش رابطه به جای قانون، هنجارهای فرهنگی مولد انحصار، مطالبه‌گری جمعی، دانش محلی و افزایش منزلت اجتماعی از جمله انگاشت‌هایی بودند که شرایط زمینه‌ای را برای کنش و واکنش بهره‌جوئی توده‌ای را ایفا کردند. همچنین، نظام تولید اقتصادی، عاملیت موضوعات سیاسی، نقش پول در سامانه تصمیم‌گیری، مزیت مکانی مولد انحصار، کیفیت زندگی در اجتماعات دروازه‌ای و کیفیت زندگی در شهرهای ساحلی انگاشت‌هایی هستند که در فرایند کدگذاری محوری، با نقش ساختاری، به عنوان شرایط مداخله‌گر نقش پذیرفتند. کاستی در سامانه پایش، کاستی در محتوای قوانین و مقررات، کاستی در اجرای قوانین و مقررات، تعارض‌های قانونی، نظام هدایت و برنامه‌ریزی، کاستی در یکپارچگی یا تعارض‌های قانونی نیز انگاشت‌های علی برای نظام تولید فضای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری محسوب می‌شوند (تصویر ۱). بدین ترتیب چهار فرضیه اصلی مطرح می‌شود:

- فرضیه نخست: ساختار فضایی مولد انباشت بهره و نیز اقتصاد سیاسی بهره‌ای، شرایط ساختاری را برای ظهور فضای انحصاری فراهم می‌کند.
 - فرضیه دوم: تعارض قدرت و فرهنگ جمعی پذیرنده انحصار، شرایط زمینه‌ای را برای ظهور فضای انحصاری فراهم می‌کند.
 - فرضیه سوم: کاستی در چارچوب نهادی رسمی، شرایط علی را برای ظهور فضای انحصاری رقم می‌زند.
 - فرضیه چهارم: بهره‌جویی توده‌ای، واکنشی است که در پی کاستی سامانه رسمی نهادی در ظهور فضای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری ظهور می‌یابد.
- فرضیات یاد شده شالوده اصلی الگوی انگاشتی از تولید فضاهای انحصاری در کرانه جنوبی دریای کاسپین را شکل داده‌اند.

تصویر ۳: نقش سازوکارهای بهره‌جویانه در الگواره انگاشتی تولید فضای انحصاری در مورد مطالعاتی این پژوهش



منابع

- Andersson, Martin; Klaesson, John; Larsson, John P. (2016), "How local are spatial density externalities? Neighbourhood effects in agglomeration economies", *Regional studies* 50(6): 1082-1095.
- Atkinson, Rowland; Blandy, Sarah (2005), "Introduction: International perspectives on the new enclavism and the rise of gated communities", *Housing studies* 20(2): 177-186.
- Bagaeeen, Samer (2010), "Gated urban life versus kinship and social solidarity in the Middle East" In *Gated Communities* (pp. 26-37). Routledge.
- Baycan-Levent, Tüzin; Gülümser, Aliye Ahu (2007). Gated communities in Istanbul: The new walls of the city. In *Third Conference "Diversity in cities: Visible and invisible walls"*, UCL, London, UK.
- Beierle, Thomas C.; Konisky, David M. (2001), "What are we gaining from stakeholder involvement? Observations from environmental planning in the Great Lakes", *Environment and planning C: Government and Policy* 19(4): 515-527.
- Blizzard, Amy F.; Mangun, William R. (2008), "Intergovernmental influences on the implementation of coastal zone management in the United States: Public shoreline access in the Southeast", *Ocean & Coastal Management* 51(6): 443-449.
- Bodnar, Judit (2015), "Reclaiming Public Space", *Urban Studies*, 2015, Vol 52 (12): 2090-2104
- Brower, David J.; Dreyfoos, William (1979), "Public access to ocean beaches: If you find a parking space, how do you get to the beach", *Coastal Management* 5(1-2): 61-81.
- Camagni, Roberto; Capello, Roberta; Caragliu, Andrea (2017), "Static vs. dynamic agglomeration economies: Spatial context and structural evolution behind urban growth", In *Seminal Studies in Regional and Urban Economics* (pp. 227-259), Springer, Cham.
- Carmona, Matthew; Heath, Tim; Oc, Taner; Tiesdell, Steve (2012), *Public places-Urban spaces*, Routledge.
- Cartledge, Nigel (2011), "Whose Beach Is It Anyway, Towards Liveable Cities and Better Communities". *Smart Vision International, Perth, Western Australia*, 26-27 September.
- Charmaz, Kathy (2000), "Grounded Theory: Constructivist and Objectivist Methods", In Denzin, Norman K.; Lincoln, Yvonna S. (Eds.), *Handbook of Qualitative Research* (Second Ed). Sage, Thousand Oaks, CA.
- Charmaz, Kathy (2015), Grounded Theory: Methodology and Theory Construction, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (Second Ed), Volume 10.
- Charmaz, Kathy (2016), "The power of constructivist grounded theory for critical inquiry", *Qualitative inquiry*, 23(1), 34-45.
- Charmaz, Kathy (2017), "Special Invited Paper: "Continuities, Contradictions and Critical Inquiry in Grounded Theory", *International Journal of Qualitative Methods* 16:1-8.
- Clarke, Adele E., (2003), "Situational analyses: Grounded theory mapping after the postmodern turn", *Symbolic interaction*, 26(4), 553-576.
- Erkip, Feyzan (2005) "The Rise of the Shopping Mall", In *Turkey: The Use and Appeal of A Mall In Ankara*, *Cities* 22 (2): 89-108.
- Garcia-Ellin, Juan C. (2009), "Gated communities and housing projects: the control of public space in San Juan", *southeastern geographer* 49(4), 354-375.
- Glaser, Barney G.; Strauss, Anselm L. (1967), *The Discovery of Grounded Theory, Strategies For Qualitative Research*, Aldine Transaction.
- Graham, Stephen; Aurigi, Alessandro (1997) "Virtual cities, social polarization, and the crisis niurban public space", *Journal of Urban Technology* 4(1): 19-52.
- Harvey, David (2008), "The Right to The City", *New Left Review* 53:23-40
- Hodkinson, Stuart (2012), "The New Urban Enclosures", *City* 16(5): 500-518.
- İnal Çekiç, Tuba; Gezici, Ferhan (2009), "Gated communities leading the development on the periphery of Istanbul metropolitan area", *A/Z ITU Journal of the Faculty of Architecture* 6(2): 73-95.
- Iveson, Kurt (2007), *Publics and The City*, Oxford, U.K: Blackwell.

- Keul, Adam (2015), "The fantasy of access: Neoliberal ordering of a public beach", *Political Geography* 48: 49-59.
- Kirby, Andrew (2008), The Production of Private Space And Its Implications For Urban Social Relations, *Political Geography* 27: 74-95
- Kohn, Margaret (2004), *Brave New Neighborhood: The Privatization Of Public Space*, New York: Routledge
- Liu, Yuting, He, Shenjing, Wu, Fulong, Webster, Chris (2010), "Urban Villages Under China's Rapid Urbanization: Unregulated Assets and Transitional Neighborhoods", *Habitat International* 34 (2):135-144
- Milligan, Jessica; Oriordan Tim; Nicholson-Cole, Sophie A.; Watkinson, Andrew R. (2009), "Nature Conservation For Future Sustainable Shoreline: Lessons From Seeking To Involve The Public", *Land Use Policy* 26: 203-213
- Mills, Jane; Bonner, Ann; Francis, Karen (2006), "The development of constructivist grounded theory", *International journal of qualitative methods* 5(1), 25-35.
- O'Riordan, Timothy; Ward, Rosie. (1997), "Building trust in shoreline management: creating participatory consultation in shoreline management plans", *Land Use Policy* 14(4): 257-276.
- Lee, Pamela Pogue, Virginia (1999), "Providing public access to the shore: The role of coastal zone management programs", *Coastal Management* 27(2-3): 219-237.
- Pow, Choon-Piew (2013), "Consuming Private Security: Consumer Citizenship and Defensive Urbanism In Singapore", *Theoretical Criminology* 17 (2): 179-196.
- Samara, Tony Roshan (2010), "Policing Development: Urban Renewal as Neo-Liberal Security Strategy", *Urban Studies* 47(1): 197-214.
- Schnell, Izhak; Diab, Ahmad Abu Baker; Benenson Itzhak (2015), "A Global Index For Measuring Socio-Spatial Segregation Versus Integration", *Appl Geogr* 58:179-188
- Stepanova, Olga (2014), "Knowledge integration in the management of coastal conflicts in urban areas: two cases from Sweden", *Journal of Environmental Planning and Management* 57(11): 1658-1682.
- Tang, Zhenghong (2008), "Evaluating local coastal zone land use planning capacities in California", *Ocean & Coastal Management*, 51(7), 544-555.
- Tedong, Peter Aning; Grant, Jalil L.; Aziz, Wan Nor Azriyati Wan Abd (2014), "The Social and Spatial Implications of Community Action to Enclose, Space: Guarded Neighbourhoods In Selangor, Malaysia", *Cities* 41: 30-37
- Thuillier, Guy (2005), "Gated Communities in The Metropolitan Area of Buenos Aires, Argentina: A Challenge for Town Planning", *Housing Studies* 20(2):255-271
- Townshend, Ivan J. (2006), "From Public Neighbourhoods to Multi-Tier Private Neighbourhoods: The Evolving Ecology of Neighbourhood Privatization in Calgary", *Geojournal* 66:103-120.
- Vistad, Odd Inge; Skår, Margarete; Wold, Line C.; Mehmetoglu, Mehmet (2013), "Balancing public access and privacy in developed coastal zones: Factors influencing attitudes towards potential management options", *Journal of Outdoor Recreation and Tourism* 3: 7-18.
- Voyce, Malcolm (2006). "Shopping Malls in Australia: The End of Public Space and The Rise of 'Consumerist Citizenship'?", *Journal of Sociology* 42 (3): 269-286.
- Walks, R. Alan (2009), "The Urban in Fragile, Uncertain, Neoliberal Times: Towards New Geographies of Social Justice?", *The Canadian Geographer/Le Géographe canadien* 53(3): 345-356.
- Webster, Chris (2002), "Property Rights and The Public Realm: Gates, Green Belts, And Gemeinschaft", *Environment and Planning B: Planning and design* 29(3): 397-412.
- Zaireen, Z. Ainur; Norhidayah, M. Y.; Razali, M. N.; Maslinda, A. L.; Hussin, K.; Zakaria, S. R. A. (2015), "The Typology of Gated Communities from Housing Developers' Perspective", *Advanced Science Letters* 21(5): 1247-1250.